



## سکاف

نشریه ایرانیان معتقد به آزادی جنسی

شماره ۳۴ - ۴ شهریور ۱۳۸۲

قسمت دوم

**Cekaf@Cekaf.com**

**www.Cekaf.com**

سکاف نشریه معتقدین به آزادی جنسی است. آنانی که معتقدند انجام هرگونه عملی جنسی به شرط رضایت مندی و بلوغ شرکت کنندگان، آزاد است.

**توجه : به دلیل حجم بالای مطالب، این شماره در دو قسمت منتشر شده است.**

|    |   |          |
|----|---|----------|
| ۲  | سرمقاله - از حق جوانان و فرهنگ آزادی جنسی دفاع کنیم     | قسمت اول |
| ۳  | حرف‌های خودمانی - آرش                                   |          |
| ۵  | دادگاه  |          |
| ۷  | دید زدن همسایه تو انباری                                |          |
| ۸  | هوش (نیوغ) جنسی (Sexual Intelligence) خود را تقویت کنیم |          |
| ۱۰ | عمو حمید  |          |
| ۱۳ | داستان رستم و سوادابه                                   |          |
| ۱۲ | فرهنگ واژگان جواتی (از شریفی)                           |          |
| ۱۵ | حرف دل دختران (مریم)                                    |          |
| ۱۷ | حرف‌های خصوصی این شماره                                 |          |
| ۲۱ | حرف دل یک جوچه سکافی                                    | قسمت دوم |
| ۲۲ | با واریکسول آشنا شویم                                   |          |
| ۲۳ | یک تست آزمایشی خودشناسی برای آقایان                     |          |
| ۲۸ | من هم هستم (از پویا)                                    |          |
| ۲۹ | خوابگاه دانشجویی  |          |
| ۳۰ | نامه مسئول سایت دین و سیاست به سه کاف و جواب آن         |          |
| ۳۵ | فکرش رو بکن : فانتزی سکسی تو! (از کارون جاوید)          |          |

## من هم هستم (از : پویا)

سلام، سلام به همه شما که با نامه های پر از محبت خود من را یکبار دیگر شرمند کردید. در ماهی که گذشت نامه های بسیاری از افراد مختلف دریافت کردم، هم از همجنسگراهای زن و مرد و هم از افراد دیگر که میخواهم ابتدا از همه آنها تشکر کنم و به سئوالاتی که پرسیده اند جواب دهم. ابتدا خواهش میکنم در قسمت موضوع ای میلیهای را که برای من میفرستید حتماً بنویسید پویا (Pooya) تا سریعتر به دست من برسند.

اکثر ایمیلها در مورد نبود سایتهای فارسی مخصوص همجنسگرایان بود. من در اینجا از تمام کسانی که میتوانند سایتی مخصوص همجنسگراها (چه مرد و چه زن) ایجاد کنند و یا میتوانند برای آنها جایی را تهیه کنند و یا سایتی را راه اندازی کنند، خواهش میکنم با من تماس بگیرند تا من آنها را به یکدیگر معرفی کنم و پس از تشکیل سایت از هر طریق که بتوانم کمکشان کنم تا سایتی خوب با مطالب سودمند داشته باشیم و درکنار معرفی سایت، مقداری از مطالبی که خوانندگان برایم میفرستند را که به علت کمبود جا نمیتوانم در این ستون بچاپ برسانم، در آنجا قرار دهیم، و همچنین تا جایی که بتوانم برایشان مطلب جمع آوری میکنم. همینطور افرادی که اعلام آمادگی برای جماعآوری مطلب برای سایت کرده اند را به مسئولین سایت معرفی میکنم از جمله سبزی که مشتاقانه آماده همکاری است.

عزیزانی تماس گرفته و پرسیده اند که چگونه میشود یک شریک جنسی پیدا کنند. قبلاً هم گفته بودم که در اتاقهای چت یاهو، اتاقی به نام گیهای تهران است که تهرانیها برای پیدا کردن شریک جنسی میتوانند به

آنجا مراجعه کنند و شهرستانها هم میتوانند برای شهر خود اتاقی مشابه و به نام شهر خود بسازند. سبزی عزیز گفته بود که به زبان آلمانی و انگلیسی تسلط دارد. من از این دوست عزیزم میخواهم که درباره موضوعهای مربوط به همجنسگراها و همجنسگرایی هر مطلب جالب و مهم و مفید که پیدا کرد برایم ترجمه کند و بفرستد تا در این ستون از آن مطلب علمی و نیز داستانهایی که در سایتهای همجنسگراهای دیگر کشورها انگلیسی و آلمانی زبان وجود دارد استفاده کنیم.

سیاوش در مورد افرادی که به آنها **Shemale** میگویند پرسیده بود که از تمامی افرادی که اطلاعات دقیق و علمی دارند خواهش میکنم کمک کنند تا در یک شماره مطلب کاملی در مورد اینگونه افراد چاپ کنیم. ناناژ یک دختر لژیون است و به همجنس خودش تمایل دارد و میخواهد بداند که چگونه میتواند شریک جنسی خود را پیدا کند. من در یاهو اتاق چت (گپ خونه) مخصوص برای لژیونها پیدا نکردم ولی امیدوارم که لژیونها برای خود جایی برای چت درست کنند و من نیز حتماً اگر آدرسی به دست آوردم معرفی خواهم کرد. اما در صفحه پیوند سکاف چندین آدرس زنان لژیون نوشته شده و از طریق سایت خانه دوست در صفحه پیوند سکاف میتوان به یک چت مخصوص لژیونها وارد شد. و نیز از لژیونها میخواهم تا مطالب و داستانهای خود را بفرستند تا در این ستون مطالبی درباره آنها هم داشته باشیم.

نامه شیراز هم بدستم رسید و از لطفش متشکرم. باسی در مورد فردی نوشته بود که تغییر جنسیت داده و ازدواج کرده و

همچنین داری زندگی خیلی خوب با همسرش است، دوست دارم که داستانهایی در اینمورد هم در این ستون داشته باشیم. خاطره بهزاد را خواندم، خوب بود ولی برای چاپ خیلی کوتاه بود، منتظر خاطرات دیگر هستم. حمید در نامه خود از احساسات همجنسخواهی خودش تعجب کرده. باید بگویم ما به خاطر اینکه دارای جو بسته ای در کشورمان هستیم وقتی این احساسات را در خودمان حس میکنیم و میبینیم و خود را با دیگران متفاوت میبینیم، ابتدا متعجب میشویم و این برای تمام همجنسگرایانی که در ایران بزرگ شده اند طبیعی است. تو میتوانی بیشتر تحقیق کنی تا بهتر این حالت و احساس خود را درک کنی و با آن کنار بیایی.

**www** تماس گرفته و در مورد دخول وسایل به مقعد و کلا سکس از راه مقعد پرسیده که در شماره ۲۳ سکاف همکار عزیزم، کارون، به تمام مسائل در این مورد اشاره کرده بود. بابک یک داستان بسیار زیبا فرستاده بود که ازش خواهش میکنم این مطلب را کاملتر کرده و به فارسی تایپ کند (در صورت امکان با فونت زر) و برایم بفرستد تا من در دومین سالگرد آشنایی آنها در شماره های بعدی در این ستون جا بدهم. داستان هتل را نیز علی فرستاده. این داستان بسیار عالی بود که حتماً در شماره های بعدی از آن استفاده میکنم. به تمام خوانندگان این وعده را میدهم که در شماره های بعدی نیز مطالب بسیار جالبی خواهیم داشت. در زیر خاطره ای از یک دانشجو در خوابگاه را انتخاب کرده ام که با هم میخوانیم:

## خوابگاه دانشجویی

من دانشجوی رشته کامپیوتر در یکی از دانشگاههای غرب کشور هستم. اسمم رو امیر عباس میزارم. در شبی دوست داشتنتی بعد از امتحانات ترم اول با بهترین دوستم که اسمش رو جواد میزارم در اتاق خوابگاهمون تنها بودیم، بقیه هم اتاقیها به شهرهاشون رفته بودند. ما هم که درسی نداشتیم بی حوصله در گوشه ای نشسته بودیم. یه سیدی فیلم سوپر داخل کمد داشتیم. رو به دوستم گفتم: جواد، بعد از این امتحانات کبری یه فیلم سوپر ببینیم حال کنیم. جواد یه تکونی به خودش داد و گفت: نیکی و پرسش! منم پریدم و سیدی رو آوردم. بعد از قفل کردن در و کیپ کردن پرده ها کامپیوتر رو روشن کردیم و مشغول تماشا شدیم. چون یه صدلی بیشتر نداشتیم دوتایی روی آن نشستیم.

بعد از چند دقیقه احساس کردم که یه دست جواد داره بازوم رو نوازش میده و دست دیگه اش کبر راست شده اش رو از روی شلوار میماله. کبر من هم داشت خودشو توی شلوارم میکشست. یواش یواش

دست جواد از کمرم پائینتر اومد و به کونم رسید و نوازشی به اون داد. دیگه هردو حسابی حشری شده بودیم؛ نگاهی به هم کردیم و بدون هیچ حرفی شروع به لب گرفتن کردیم. در همون حالت به وسط اتاق رفتیم. جواد دو دستش رو توی شرتم کرد و دوتا لاله هام رو میمالید. منم بیچار نموندم و سریع کبرش رو گرفتم. عجب کبر کلفتی داشت. هیچوقت فکر نمیکردم کبرش اینقدر بزرگ باشه. دیگه نمیدونم چی شد که چند لحظه بعد هر دو لخت در حال مالیدن بدن همدیگه بودیم! دیگه طاقت نیاوردم. چندتا کاندومی که میدونستم تو جیب کدوم سلوارم هستن، رو آوردم و یکی به کبر خودم زدم بعد دست جواد رو گرفتم و بردمش روی کمر تخت خوابوندمش و یک کاندوم هم به کبر اون زدم و بعدش کمی از آب مربایی که داشتیم روی کبرش ریختم و مشغول لیسیدن شدم. جواد هم به سوراخ کونم حال میداد و من رومشتاقتر به ادامه کار میکردم طوری که دیگه آه و ناله اش دراومده بود. ازم خواست که دیگه لیس نزنم و دست نگه دارم و جاهامون رو با هم عوض کردیم و اینبار جواد مشغول خوردن کبر من شد. من هم کونش رو نوازش میکردم؛ چه لاله های چاق و نرمی داشت!

دیگه داشت آجم میآمد. بهش گفتم که کافیه، آجم داره میآد ولی ادامه داد و کبرمرو تا ته توی دهنش کرد. بدنم تکونی خورد و تمام

آجم رو بشدت توی کاندوم تو دهن جواد ریختم. جواد بلند شد، کبرم کمی خوابیده بود اما کبر جواد هنوز استوار بود. منو بر روی شکم خواباند، دستی به کونم زد و گفت: بابا با اینکه پوست صورتت کمی سیاه و ریش و سبیل پریشتی داری ولی عجب کون سفید و بی مویی داری، جون میده برا گائیدن! اول کمی کونم رو لیسید بعد مقداری کرم به سوراخ کونم زد و با انگشت به جون اون افتاد. چقدر استادانه کار میکرد؛ اول با انگشت اشاره بعد انگشت شست و با دو انگشت کونم رو گائید؛ آه که چقدر حال میداد. دیگه نمیتونستم منتظر بمونم. برگشتم و یکبار دیگه کبر کاندوم زده اش رو توی دهنم کردم. بعد حسابی رویش کرم مالیده و روی شکم خوابیدم و گفتم: جواد منو پاره کن! تا ته بکن تو!



جواد هم معطل نکرد. کمی سر کبرش رو به سوراخم مالید، با کمی فشار سر کبرش رو به داخل فرستاد، بعد کمی مکث کرد و بعد از آن کبرش رو تا ته چپوند تو کونم و بعد آرام شروع به تلمبه زدن کرد. اولش یه کم درد داشت ولی بعد دیگه همش حال بود. با اینکه قبلا چندین بار با یکی دوستان دیگم اینکار رو انجام داده بودم ولی کبر جواد چیز دیگه ای بود. خیلی کلفت و خوش تراش و حسابی حال میداد. چیزی نمونه بود غش کنم. برای اینکه صدام بیرون نره بالشت رو توی دهنم کرده بودم. حسابی کونم داغ شده بود و اون قطار پر حرارت در تونلم در حال رفت و آمد بود.

جواد به نفس نفس افتاده بود، احساس کردم که زمان اون لحظه باشکوهی که منتظرش بودم فرا رسیده؛ به یکباره اون کوه آتشفشان فوران کرد و گدازه هایش رو توی کاندوم توی کونم خالی کرد، آه چه لحظه زیبایی. جواد در حالی که هنوز کبرش توی کونم بود بی حال روی من افتاد و همون طور چند لحظه خوابیدیم. ناگهان با صدای در بیدار شدیم. زود خودمونو جمع و جور کردیم و من رفتم در رو باز کردم؛ یکی از بچه های اتاق کناری بود. باصدای آروم گفت: بچه ها فیلم سوپر توی دست و بالتون نیست امشب یه حالی بکنیم؟ گفت: نه بابا فیلم سوپر کجا بود و با نگاهی به جواد با لبخند ادامه دادم: مگر اینکه خودمون برایت فیلم سوپر بازی کنیم!!

## نامه مسئول سایت دین و سیاست به سه کاف و جواب آن

به نام خداوند یکتا

من نویسنده وبلاگ دین و سیاست ([din-va-siasat.persianblog.com](http://din-va-siasat.persianblog.com)) هستم. چندی پیش با یکی از خوانندگان در مورد مسائل جنسی در اسلام بحث میکردم که یک روز به من آدرس: <http://members.shaw.ca/weblog/3k/eteraz32.html> رو داد و گفت جوابت رو اینجا بگیر..... به هر حال وی ما را اینگونه با سایت شما آشنا کرد. من به اصل سایت ([Cekaf.com](http://Cekaf.com)) برگشتم و شروع به خواندن مطالبتون کردم. واقعاً بی محتوا بود. همش از یک خوی حیوانی انسان گفته بودید. بهر- حال چند روز بعد اتفاقی خبری را در پرشینلوگ دات کام دیدم. واقعاً اشکم در اومد. از سی ان ان و رویتر نقل کرده بود که ایرانیها در اینترنت فقط به دنبال شهوت‌اند و پر بیننده ترین سایت ایرانی هم سایت خاطرات یک فاحشه است. بعد از خواندن این مطلب یاد سایت شما افتادم، واقعاً متأسف شدم که چرا یک سایت سکسی و پوچ (البته بجز جاهایی که شما در مورد غریزه جنسی راهنمایی کرده اید) باید در یک ماه یازده میلیون بیننده داشته باشه. شما جوونها را به فساد دعوت میکنید. اما در پایان فقط به شما یادآوری میکنم که بازگشتی هم بسوی حقتعالی هست. به هر حال اگر مسلمان هم نیستید.... اگر به خدا هم اعتقاد ندارید..... به فکر آبروی ایران باشید.

صادق

جهت اطلاع خوانندگان: ما همانروز در جواب نامه صادق متن زیر را برای ایشان ارسال کردیم:

سلام صادق،

مرسی از نامه و اینکه نظر خود را با ما در میان نهاده اید. متأسفانه برای شماره ۳۳ (شماره جدید) سه کاف دیر شده چون مطالب آماده چاپند ولی نامه شما را به همراه جواب در سکاف ۴۳ چاپ خواهیم کرد.

شاد باشید

آقای صادق هم، نامه خود و جواب اولیه ما را در سایت خودش چاپ کرد و نوشت: "این بود جواب این به اصطلاح مجله. حالا ما هم منتظر میشینیم تا شماره بعدی این مجله منتشر شود و جوابمان را بگیریم."

### جواب سه کاف:

برخوردی میکنند اظهار تأسف میکنند. اگر میگفتی که با خواندن آن مطلب مثلاً مغزت تیر کشید آنوقت بهتر میشد. اینکه اشکت در آمده ریشه در شیوه برخورد ماها با مسائل دارد که بجای با مغز به آنها فکر کردن و ریشه یابی و یافتن راه حل، احساساتی میشویم و گریه میکنیم و صد البته بعدش هم همان راه حل‌هایی که خودتان میدانید و این، یکی از اشکالات فرهنگی ما ایرانیان است. اینکه سایت فاحشه پر بیننده ترین سایت ایرانی میشود و یا سکاف اینهمه خواننده دارد را شما باید از خود و آن حکومتی که در سایت خود روشنفکرانه در توجیه آن و

که تعداد هرچه بیشتری در جریان بحثها قرار بگیرند ولی چه کنیم که شما این حق را بدرستی دارید ولی ما نداریم و بدتر از آن شما از حق ما دفاع نمیکند که هیچ، چه بسا در نامه خود از ما به بازگشت به حقتعالی دعوت میکنید.

چنین دعوتی حق شماس و ممنون از این دعوت. ولی اگر به آن حق تعالی مد نظر شما بازنگشتم، چی؟ همان "فاقتلو المشرکین" را در حق ما اجرا میکردی؟ (بعداً بیشتر به این خواهیم پرداخت).

اینکه با خواندن خبر رویتر و سی ان ان اشکتان درآمده، باهات همدردی نمیکنیم بلعکس برای تو و تمام هموطنانی که چنین

صادق جان، در پاسخ نوشتن به نامه شما، آدم توی این میماند که از کجا شروع کند چون آنقدر حرف هست و گفتنیها چنان زیاد که گاهی نظم دادن به آنها مشکل ساز میشود. به این دلیل میبخشید اگر که جواب ما طولانی است. اینکه ما و شما راحت میتوانیم با هم تماس بگیریم و افکار و نظرات خود را برای طرف مقابل توضیح دهیم و توی سایتهای همدیگه چاپ کنیم که تنها به قاضی نرویم و خوانندگان هم قضاوت خود را بکنند چیز خوب و انسانی و امروزی و متمدنانه است. ای کاش ما ایرانیان این امکان را داشتیم که همین برخورد اندیشه‌ها را علنی در روزنامه‌ها و مجلات و رادیو و تلویزیون هم به پیش ببریم

سطح اتفاق میافتد. اگر شما این اتفاقات را قبول ندارید، راه حل نشان ندادن آنها نیستیم، راه حل باید ریشه ای باشد و تا مسئله ای دیده نشود، کسی به فکر حل آنها هم نخواهد بود. نمونه انکار وجود بیماری ایدز در ایران برای سالهای سال و عدم اطلاع دهی به مردم و جوانان که نتیجه اش را همه میدانند، یا همین سکوت مطلق درباره نیازهای جنسی مردم و بعد یکپهویی مبینید که نه، سرها زیر برف بوده.

شما سری به کشورهای دیگر بزنید تا در کنار انستیتوها و دانشگاهها و مراکز تحقیق و علم و کلیساها و پارکها و... انواع و اقسام بارها و کافه های شبانه، محل آشنایی و سکس مردم، انواع کلوبها و دیسکوتکها، انواع مغازه های فروش وسایل امداد سکسی و... را ببینید. این برای شما آبروریزی است، فساد است، خوی حیوانی است، پوچ است و شاید هم اگر میتوانستید همه را "فاقتلو المشرکین" در حقاشان اجرا میکردی، ولی برای دیگران این ازاد گذاشتن انسان و ایجاد امکان انتخاب برای او: همان "انسانم آرزوست".

علت دیگر اینکه پربیننده ترین صفحه سایت فاحشه است و یا سکاف، این است که مردم و جوانان ما متأسفانه امکان انتخاب ندارند، یعنی اگر مثل کشورهای خبرگزاری رویتر (فرانسه) و یا سی ان ان (آمریکا) هزاران هزار سایت مربوط به مسائل سکسی و جنسی داشتیم، آنوقت اینهمه خواننده با علائق و نیازهای متفاوت هر کدام سایت محبوب خود را انتخاب میکردند ولی چه کنیم که حکام پر مدعا و یاوه گوی ما این حق را از مردم گرفته اند و نتیجه این شده که به ناچار به همین یکی چند سایت موجود هجوم آورند. بهمین دلیل تعداد زیاد بازدید کنندگان سکاف را ما هیچوقت به حساب

بر قامت انسان این جهانی و امروزی بچسبانید را ما حق انسانی شما میدانیم اما سؤال این است که آیا شما هم همین حق را برای ما و دگراندیشان مخالف خود، قائلید؟

و سؤال دیگر اینکه آیا کلا شما به آزادی و دمکراسی معتقد هستید یا نه؟ اگر معتقدید دمکراسی مد نظر شما چه تعریفی دارد؟ آزادی را چه میدانید؟ آیا آزادی مد نظر شما شامل آزادیهای جنسی و اجتماعی هم میشود؟ اگر به آزادی جنسی باور دارید چه تعریفی برای آن قائل هستید؟ چرا حرفی از آن نمیزنید. ما به سایت شما سر زدیم و سعی کردیم جواب این سئوالات خود را بیابیم اما چیزی پیدا نکردیم.

راستی اینکه گفته اید ما جوونها را به فساد دعوت میکنیم، ای کاش چند نمونه می آوردی و همینطور تعریف خود از فساد را هم مینوشتی آنوقت یا با شما موافقت کرده و سعی در اصلاح سایت میکردیم یا اینکه جواب قانع



کننده میدادیم ولی حیف. البته در اینگونه بحثها هدف قانع کردن نیست، چون وجود افکار مخالف هم نشانه سلامتی جامعه است و هم تضمینی برای رشد فکری و فرهنگی. ولی برای آشناسدن با نظرات ما به مطالب سخنی با خوانندگان سر بزنید و بهترین سند اینکه سکاف چیست و اعتقادات ما کدام است مطلب یک سکافی چه خصوصیتی دارد را در شماره ۲۶ مجله بخوانید و همینطور کلی نامه های خوانندگان و جواب ما به آنها در شماره های مختلف. اگر به یکسری از داستانها در سکاف اعتراض دارید، ما با چاپ این داستانها چندین هدف داریم از جمله نشان دادن آنچه در زیر

بسیجیانش میکوشید، بپرسید. به نظر ما این بیانگر شکست قطعی جمهوری اسلامی و هرگونه حکومت ایدئولوژیک دیگر است و از طرف دیگر نشانگر دست رد زدن مردم به ارزشهای فرهنگی حکومتیان، و این شکست و رد کردن زمانی بدرستی مشخص میشود که بدانیم اکثر جمعیت ایران در دوره همین حکومت و زیر آموزشهای آن رشد کرده اند. اگر نظر ما را بخواید یکی از علتهای اصلی آن است که شما و همینطور حکومت فعلی ارزشهای ۱۴۰۰ سال قبل را میخواهید اجرا کنید و اگر کسی اجرا نکرد به زور گروههای امر به معروف و شلاق و زندان و سنگسار تحمیل میشوند. و این با معیارها و ارزشهای انسان امروزی همخوانی ندارد در نتیجه این ارزشها به میله های قفس ایرانیان تبدیل شده اند و صد البته انسان زندانی سعی در فرار از زندان دارد بخصوص اگر که بیگناه باشد و ببیند که اصول تحمیلی با معیارهای جهانی و انسانهای کشورهای دیگر همخوانی ندارند. این هم هست که انسان امروزی میخواهد خود مرجع اقتدار خود باشد اما کسانی به او میگویند نه، باید مرجع تقلیدی باشد که نماینده خدا است و هر چه گفت و دزدید و چاپید و کشت و غارت کرد، کسی حرف نزند چون در مقابل نماینده خدا و امام زمان ایستادن یعنی محاربه با خدا و حکماش هم معلوم.

اگر امروز کسی بخواید به زور شلاق و زندان و تهدید باورهای خودش را به شما تحمیل کند بدانید که طرف انسانی است قشری، بیسواد، متعصب و از نظر رشد فکری عقب مانده و یا حاکم است و منافع اقتصادی و صندلی قدرت را نمیخواهد از دست بدهد. (چنین حاکمی صد البته خودش هم زندانی است باضافه ترس و دلهره ای دائمی از بزرگتر کشیده شدن). اینکه سایت خود را به ظرفی برای نشر و تبلیغ اعتقادات خود نموده و همینطور به محلی برای توجیه آنچه توجیه ناپذیر است کرده و سعی میکنید که با چسب و سریش و کلی تناقضات مسائل آن جهانی را

او ویزا میدهند ( از برکت سیاستهای جمهوری اسلامی)

۳- وقتی فیلم اعدام با جرثقیل در میدانی تهران و شهرستانها در روزنامه ها و صفحات تلویزیونهای خارجی نشان میدهند و بیننده خارجی از اینکه ما چنین حکامی را تحمل کرده ایم تعجب میکند.

۴- وقتی چهار میلیون ایرانی آواره در کشورهای دیگر داریم که وقتی خارجی یک ایرانی را میبیند قضیه را تا ته میخواند: ایران کشوری است که مردمش تحمل عقاید همدیگر را ندارند و همدیگر را به جرم اعتقادات گوناگون میکشند و این یکی فرار کرده و به ما پناه آورده .

۵- وقتی در فرودگاه مهرآباد، آن بیچاره توریست ژاپنی یک گیتار در دست دارد و مامور اسلامی فرودگاه طوری دنبال یارو میدود که انگار قاتلی را دیده و دیگران وحشترده فکر میکنند وارد باغ وحش شده اند.

۶- وقتی که زندانهای ما پر از زندانیانی است که افکاری متفاوت با حاکمان دارند و سالانه ایران در سازمانهای جهانی حقوق بشر به جرم نقض حقوق ایرانیان محکوم میشود.

۷- وقتی خبرنگاری را به جرم عکس گرفتن و تهیه گزارش آنقدر توی سرش میزنند تا جان دهد. و در کنار آن ایران در ردیف کشورهای دارای خبرنگار زندانی، رتبه اول را داراست.

۸- وقتی ایرانی با اینهمه نفت و ثروت در کشور مجبور است ۳-۲ کار مختلف دست و پا کند تا شکم خود و بچه هایش را سیر کند و اینهمه گدا تو کوچه و خیابان پیدا میشوند

۹- وقتی از ۶۵ تا ۸۰ میلیون ایرانی تنها درصد بسیار بسیار محدودی به آخرین تکنیک امروزه یعنی اینترنت دسترسی دارند و ایران در این زمینه از بسیاری

است و آن جهانی دینی. اما در رابطه با اینکه به فکر اسلام و ایران باشیم، باز هم میگوئیم: حتماً و به چشم. اما یک نکته رو روشن کنیم (که بدانیم هر کدام در کجا قرار گرفته ایم) و آن اینکه سرنوشت ایران و اسلام ربطی به هم ندارد. چرا که ایران یک کشور است و متعلق به تمام ایرانیان، در حالی که اسلام یک دین است و ( به قول خودتان) متعلق به یک میکیارد مسلمان در دنیا . یک مسلمان ایرانی با یک مسلمان آمریکایی یا چینی دین مشترک دارد اما یک ایرانی با ایرانی دیگر چه یهودی، چه بهایی، چه زرتشتی، چه مسلمان و چه بی دین علائق و منافع ملی مشترک دارد. اسلام همه ایرانیان را بهم هم متصل نمیکند ولی منافع و آبرو و حیثیت ایران تمام ایرانیان را با هم متحد میکند. اسلام از ابدالدهر دین اکثریت ایرانیان نبوده اما از زمانی که ایران در جهان بوده ، ایرانیان با هر دین و آئینی در فکر منافع آن بوده اند.

امروزه اکثر ایرانیان مسلمان هستند ولی نه همه و از طرف دیگر ممکن است در آینده اکثریت ایرانیان دین و آئین جدیدی را انتخاب بکنند یا نکنند ولی منافع ملی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران و ایرانی همیشه اسباب دغدغه فکری ایرانی با هر فکر و دینی خواهد بود. برخورد ما با اسلام هم همین است. امروزه حکومت اسلامی با بکار گرفتن اصول اسلام یک دیکتاتوری بر ایران اعمال کرده که در تاریخ کشورمان نظیر ندارد، به همین دلیل در انتخاب بین چنین دینی و منافع کشور، ما صد البته منافع ملی و میهنی ایران و ایرانی و پیشرفت آن را معیار قرار داده و خواهیم داد. اما اینکه چه چیزی آبروی ایران و اسلام را میبرد ظاهراً با هم توافق نداریم. ما میگوئیم از جمله چیزهایی که آبروی ایران را در جهان میبرد اینها هستند:

۱- دستگیری سفیر سابق ایران در آرژانتین به جرم دست داشتن در انفجارات در آن کشور

۲- وقتی یک ایرانی در فرودگاه یک کشور دیگر پاسپورت ایرانی نشان میدهد و با هزار سؤال و جواب مواجه میشود و به سختی به

کیفیت مطالب سکاف نگذاشته ایم، بلکه ناشی از محدودیت انتخاب مردم دانسته ایم و از این نظر متأسفیم که چرا ایرانیان نباید آزادانه صدها و هزاران سایت بهتر و پر محتواتر از سکاف داشته باشند. فکر نکن مردم نمیتوانند یا کسی نیست. نه ، امکانش را نیافته اند و گرنه تعداد مردمی که در آمریکا، فرانسه و یا دیگر کشورها به اینگونه سایتها سر میزنند صدها برابر بیشتر از ما ایرانیان است و تازه خیلی از سایتهای آنها پولی هم هستند و مردم آنها برای سر زدن پول میدهند. دلیل این گفته ما این است که درصد خیلی بیشتری از مردم کشورهای دیگر به اینترنت دسترسی دارند و مردم ما خیلی کمتر. و به چیز خیلی مهمتر: این خیلی بهتره که دیگران بگویند ایرانیان دنبال شهوت هستند تا اینکه بگویند ایرانیان توریست اند. وقتی انسان نیاز جنسیاش را حل کرد، آنوقت راحتتر دنبال حل دیگر مشکلات خود خواهد رفت و بارش هم کمتر.

نوشته اید اگر مسلمان نیستیم به فکر آبروی ایران باشیم. حتماً. درباره اینکه ما مسلمان هستیم یا نیستیم و چه نظری درباره نقش دین در زندگی انسانها داریم بارها در سکاف نوشته ایم و از تکرار میپرهیزیم. فقط بگوئیم که ما دین را برای انسان و در خدمت انسان میخواهیم و نه انسان برای دین. چون آنموقع انسان قربانی میشود و ما این را قبول نداریم. و آنجا که دین در تعارض با خواسته و نیاز انسان قرار میگیرد، انتخاب ما راحت است: انسان. این به معنای نفی ارزشهای دینی در حوزه خصوصی زندگی انسانهای پیرو ادیان مختلف نیست. یعنی ما دین را یک مسئله خصوصی و فردی و یک ارتباطی بین فرد و خدای خودش میدانیم حالا این فرد مسلمان است یا بهایی یا مسیحی یا... فرقی نمیکند. اما این دیدگاه که " دین ما عین سیاست ماست" با آن عواقبش را قبول نداریم. سیاست به دوز و کلک، چانه زدن و هزاران کارهای ناجور این جهانی آغشته است. دین آن جهانی است و برای پاکیزه ماندن سرش خواهد آمد که سیاست و سیاستمداران. به همین دلیل مسائل این جهانی مال سیاست

کشورهای فقیر دیگر هم عقبمانده تر است.

۱۰- وقتی ایران در فرار مغزها رتبه اول را دارد.

۱۱- وقتی به ایرانی اجازه انتخاب هر که خواست برای مناصب مختلف از جمله مجلس داده نمیشود و باید آخوندها اول کاندیداها را تأیید کنند، یعنی ایرانی و شعور ایرانی به هیچ گرفته میشود.

۱۲- وقتی زن ایرانی نمیتواند برای معالجه خود به یک پزشک مرد مراجعه کند.

۱۳- وقتی جوان ایرانی در شب زفاف دلهره دارد که واژن زنش را میتواند پیدا کند یا نه.

۱۴- وقتی ایرانی همجنسگرا را در خیابان شلاق میزنند و خودش هم فکر میکند که همجنسگرایی گناه است.

۱۵- وقتی یک ایرانی قابل، چه زن و چه مرد چه غیر شیعه نمیتواند رئیس جمهور مملکت شود و تبعیض دینی بیداد میکند و استعداد و تواناییها هدر میرود و کشور از استعداد او در اداره امور محروم میگردد.

۱۶- وقتی معیار هر چیزی مذهب میشود، بدون آنکه ببینیم این به نفع ایران است یا نه.

۱۷- وقتی در کابینه ایران یک وزیر زن هم نیست.

۱۸- وقتی نوجوان ایرانی که به بلوغ رسیده و در شب آب کیرش راه میافتد وحشت میکند و فردایش کسی را ندارد که از او سؤال کند.

۱۹- وقتی به جوان ایرانی درباره آزادیهای جنسی چیزی گفته نمیشود و او هر دختری را در خیابان دید که خندید، یا متلک بارانش میکند یا فکر میکند جنده است که باید سوارش شود.

۲۰- وقتی زن ایرانی در انتخاب لباس آزاد نیست و همه باید سیاه بپوشند و از دور که نگاه کنی، دسته کلاغها را به یاد میآورند. و اگر دختر ایرانی اجرا نکرد بصورتش اسید میپاشند.

۲۱- وقتی به ایرانی اجازه داده نمیشود که افکار و اعتقادات خودش را چاپ و نشر دهد.

۲۲- وقتی ایرانیان مسلمانان متعصب، کشور را درگرو تعصبات دینی خود قرار داده و حق ایرانیان دیگر را نادیده میگیرند و قبول نمیکنند که دیگران هم ایرانیاند و صاحب این ملک و بوم و دارای حقوق مساوی.

۲۳- وقتی حاکمان مستبد با سیاستهای خود سرنوشت ایران و ایرانی را اینقدر به خطر میاندازند که کشورهای دیگر به فکر حمله به ایران میافتند.

۲۴- وقتی که ایرانی عاصی از حکام راه فرار نمییابد و به ناچار آروز میکند که آمریکا به کشورش حمله کند. (ما با حمله هر کشوری به ایران مخالفیم، اما انکار هم نمیکنیم که کسانی چنین افکاری دارند و این نه بخاطر وطنفروش بودن آنهاست بلکه اوج نارضایتی آنها از اوضاع است.)

...و این لیست را همینطور میتوان ادامه داد.

در باره اینکه چه چیزی آبروی اسلام را میبرد این را مسئولان و دلسوزان اسلام درجهان باید راه چاره بیابند. دغدغه ما تا زمانی که کشورمان در چنین شرایطی است، همانا ایران و ایرانی است و عزت و سعادت و آزادی آیندو. در ادامه اجازه دهید به یکی دو نکته ای بپردازیم که شما در سایت خود هم به آن اشاره کرده اید و سعی در توجیه آن دارید. ( به این دلیل که به این بحث ما مربوط میشود)

شما در یادی از دکتر شریعتی این شعر را آورده اید: (بخشی از آن را میآوریم)

".....چشمهایم را کور میکنم، گوشهایم را کر میکنم، پاهایم را میشکنم، انگشتانم را بند بند میبرم

سینه ام را میشکافم، قلبم را میکشم، حتی زبانم را میبرم و لبم را میدوزم اما قلمم را به بیگانه نمیدهم....."

در این شعر کمبود منطق گوینده (شریعتی) کاملاً روشن است. خشک مغزی در

آن موج میزند. نمیگوئیم قلمش را به بیگانه بسپارد اما برای مقابله با بیگانه لازم به اینهمه خودآزاری مازوخیستی هم نیست: منطق.

چنین فرهنگی، فرهنگ خون (پرستی) است، فرهنگ عزا، تعصب. و عقل و علم و تبادل فکر و نظردر آن جایی ندارد و انسان با فرهنگ تعصب نمیورزد، چشمهایش را نمیبندد و گوشهایش را کر نمیکند، شاد است، از افکار دیگران یاد میگیرد و خود تکامل مییابد. "ماندن را در رفتن" جستجو نمیکنند و "بقا را در فنا" نمیبینند و یادت باشد که انسان ایرانی را در چنین چمبره ای نگه داشتن یکی دیگر از همان عوامل آبروی ایران بردن است.

بگذریم که امروز در همین ایران حکام اسلامی چه بلاها که سر دگر اندیشان و نویسندگانی که نمیخواهند قلمشان را به آنها بفروشند میآورند. از کشتار هزاران زندانی دگراندیش در شهریور ۱۳۶۷ که خبر دارید، دو سؤال بیشتر نپرسیدند: مسلمان هستی؟ نماز میخوانی؟ همین. و بعدش آنهمه اعدام.

ریشه این عمل وحشیانه را میدانی در کجا میتوان یافت؟ در باور میرغضبان و حکام، همان باور و اعتقادی که در سایت خود هم به توجیه آن پرداخته اید:

" فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلو المشرکین حیث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اعدوا لهم کل مرصد فان تابوا و اقموا صلاه و اتوا الزکاه فخلو سبیلهم ان الله غفور رحیم" توبه -آیه پنج.

" هنگامی که ماههای حرام پایان یافت مشرکان را هر کجا بیابید و به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمیگاه بر سر راه آنها بنشینید هرگاه توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات بپردازند آنها را رها کنید زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است"

( آیه و معنی آن از سایت خودتان گرفته شده است.) امروز هر انسانی که اندکی از تمدن و دموکراسی و حقوق انسان و داشتن عقاید مختلف میدانند، چنین برخوردی با پیروان افکار و ادیان دیگر را توحش میدانند. اما در ایران وقتی بعد از ماههای حرام رفتند سراغ زندانی و وقتی دیدند که تسلیم آنها نمیشوند همه را یکجا اعدام میکنند طوری که قائم مقام آنزمان ولی فقیه (منتظری) هم دادش درمیآید و در نامه ای به خمینی به چنین برخوردی اعتراض میکند. اما شما چند سطر پائینتر در سایت خود به شکل خیلی زشتی به توجیه چنین افکاری میپردازید و مینویسید:

" برنامه اسلام مانند همه ادیان دیگر ریشه کن کردن بت پرستی از روی کره زمین بوده است. مسئله آزادی مذهبی یعنی ترک اجبار (ی) پیروان مذاهب دیگر منحصر به ادیان آسمانی و اهل کتاب مانند یهود و نصاری است و شامل بتپرستان میشود زیرا بت پرستی مذهب و آئین نیست که محترم شمرده شود بلکه انحراف خرافه و بیماری است که به هر حال و هر قیمت باید ریشه کن شود .... و بعد توضیح اینکه بله اگر تسلیم شدند و بسوی حق بازگشتند با سایر مسلمانان فرق ندارند." (نقل از سایت خودتان و تأکیدات از ماست).

فرد حامل چنین افکاری معنی صلح را نمیداند و برای انسان ارزشی قائل نیست. همان کاری که تو اینهمه سال سر ایرانیان بهائی آورده شده . و فشارها و محدودیتهایی که حتی سر ایرانیان یهودیان و ارمنی آورده اند. ولی دوتا سؤال باقی میماند، اول اینکه با این توضیح و تفسیر خودتان چرا در سایت خود از زرتشتیان تعریف و تمجید کرده اید؟ بعدش چرا از مسلمانان نمیخواهی که به وظایف خود عمل کرده و به تایلند و چین و هند و کره شمالی که اکثریت مردمان آنها به ادیان الهی مدنظر شما اعتقاد ندارند، حمله کنند؟ و چرا حکام مدعی اسلام و پیرو آیه فوق این بلاهای " بکشید و اسیر سازید و سر راهها در کمین آنها بنشینید" را سر خیلی از مسلمانان ایرانی آورده و میآورند؟ آیا بت پرستان حق دارند به همان نسبت شما به آئین و اعتقادات خود تعصب داشته و اگر

زورشان رسید به شما و این آئین شما حمله کنند؟ آنها البته چنین ادعائی ندارند، نمونه دین بودائی که دینی صلحطلب است و مخالف قتل، اما اگر یک بودائی، فردی با افکار شما را وحشی بداند، هیچ تعجب نکنید. و قول میدهم میلیاردها نفر در جهان هم حرف او را تأیید کنند. وانگهی این داستان کشتن پیروان آئین و اعتقادات دیگر هم مسیحیان قرنهای پیش میخواستند اجرا کنند و نتیجه چی شد؟ جنگهای صلیبی و آنهمه کشت و کشتار. صادق جان، میبخشید که جواب ما طولانی شد ولی به ایران قسم حرفهای ما با هدف برخورد با فرد شما نبوده بلکه هدف برخورد با ریشه های تفکراتی است که ایران و ایرانی را در عقیماندگی نگه داشته اند و اگر لحن ما اینجا و آنجا تند بوده، پوزش میخواهیم.

در پایان: نامه خودتان به سکاف را شما در سایت خود چاپ کرده و گفته بودید که منتظر جواب ما مینشینید. ما، هم نامه شما و هم جواب خودمان را در سکاف چاپ کرده ایم که خوانندگان سکاف هم در جریان قرار بگیرند، اما اینکه این جواب ما را در سایت خود چاپ میکنید که خوانندگان فکر نکنند شما یکطرفه به قاضی رفته اید را به اختیار خودتان و اعتقادات شما وا میگذاریم.

شاد باشید

سه کاف



## فکرش رو بکن : فانتزی سکسی تو!

این نوشته، قسمتی از فصل ۷ کتابی است به نام « راهنمای کامل سکس برای کند ذهن‌ها » که کارون جاوید داره برای شما ترجمه‌اش می‌کنه. بخش‌های بعدی این کتاب و شاید کتاب کامل اون، در آینده از طریق سایت سکاف به دست شما خواهد رسید.

نظر، پیشنهاد یا انتقاد خودتون رو به آدرس [Cekaf@cekaf.com](mailto:Cekaf@cekaf.com) بفرستید و در بخش **Subject** بنویسید که به دست کارون جاوید برسه.



### در این فصل

- ◀ می‌بینی که فانتزی‌های سکسی عادی هستند.
- ◀ چه وقتی فانتزی سکسی به یک عقده روحی ناسالم تبدیل می‌شود.
- ◀ ۱۰ تا از فانتزی‌های سکسی اصلی را می‌شناسی.
- ◀ یاد می‌گیری که چه وقت و چگونه فانتزی‌های سکسی ات را بیان کنی.
- ◀ می‌فهمی که چه وقت و چگونه می‌شود یک فانتزی سکسی را به واقعیت تبدیل کرد.

داری کار دریا، نزدیک رامسر، قدم می‌زنی که بارون نم نمک شروع می‌کنه باریدن. متوجه یک زن جذاب و ظریف می‌شی که با موهای خرمایی و یک لباس سفید داره از دور به طرف ات می‌یاد. خودت رو به دست نسیم شرعی دریا می‌سپری که تو رو به سمت اون زن هدایت می‌کنه. لباس خیس زن به سینه‌هاش چسبیده و باسن و شونه‌هاش رو به خوبی نشون می‌ده. بهش که نزدیک می‌شی، بهت نگاه می‌کنه و تازه متوجه چشماش می‌شی، سیاه و دعوت کننده. بدون حتی یک کلمه عاشق اونها می‌شی. لب‌هاش به لب‌های اونها می‌چسبه و دست‌هاش تمام انحناهای بدن اون رو لمس می‌کنه. دست‌هاش رو دور بدن‌اش حلقه می‌کنه و بدن ظریف‌اش رو به هوا بلند می‌کنی و آروم روی ماسه‌ها - درست در لبه برخورد موج ها به ساحل - به زمین می‌داری. با جریان آب که به بدن هر دوی شما برخورد می‌کنه کنارش می‌خوابی و آروم داخل‌اش می‌شی. در یک لحظه از عشقی خالص عشق بازی می‌کنی تا اینکه آبات همینجوری بیاد و بیاد و بیاد و .... - اوه! به نظرم یک لحظه از فانتزی‌ها خارج شدیم.

خاصیت مهم فانتزی‌های سکسی اینه که از هر سوراخی شده به فکر آدم داخل می‌شوند. اما خاصیت مهم‌ترشون اینه که هر وقت که بخوای می‌تونی اونا رو احضار کنی. می‌تونی از یک فانتزی سکسی بخوای تا جلق زدن تو رو لذت‌بخش‌تر کنه، یا حتی وقتی که با شریکات سکس داری می‌تونی یک فانتزی رو احضار کنی. البته گاهی هم هست که فانتزی‌ها خودشون به مغز شما می‌یان و کار شما رو مختل می‌کنن (مثلا وقتی که می‌خواهید یک متن درباره فانتزی‌ها بنویسید!). فانتزی چیزی به جز یک خواسته هوسبازانه، یا تصویر یا داستانی که تو در ذهن خود داری نیست. فانتزی‌ها می‌توانند آرامش بخش، هیجان انگیز یا شهوت‌انگیز باشند و تو می‌تونی هر وقت و هر جا اونها رو داشته باشی.



تحقیقات جنسی متعددی در طول سال‌ها نشون داده که تقریباً همه مردها و حدود ۸۰٪ زن‌ها موقع جلق زدن به فانتزی‌های جنسی‌شون فکر می‌کنن. همینطور معلوم شده که ۱۷٪ مرد و زن‌ها دائماً در حال سکس به فکر فانتزی‌هاشون هستند. پنجاه و دو درصد گفته‌اند که گاهی حین سکس فانتزی درند و فقط سی و یک درصد گفته‌اند که خیلی کم یا حتی هیچ‌گاه حین سکس به فانتزی‌های خودشون فکر نمی‌کنند.

آدم‌هایی هستند که فقط با فکر کردن به فانتزی‌هاشون می‌تونن به سطح بالایی از لذت جنسی برسند. آدم‌های بیشتری هم هستند که با فانتزی‌های خودشون زندگی عادی جنسی خود رو لذت‌بخش‌تر می‌کنند. برای به عمل درآوردن فانتزی‌ها باید توجه کنی که آیا این فانتزی‌ها در صورت اجرا شدن هم واقعا لذت بخش خواهند بود؟ ولی به هر حال چه آدمی باشی که همه روز رو به فانتزی سکسی خودش فکر کنه ولی دنبال اجراش نباشه و چه آدمی باشی که منتظر شخص، مکان و زمان مناسب برای اجرای فانتزی اش است، به هر حال فانتزی‌ها روش مناسبی برای تحریک ذهن (و بدن) تو خواهند بود.

## در تخیل تو!

اگر بخوای قدت ۲ متر باشه و وسط تابستون وقتی برای اسکی رفته‌ای کویر لوت بهمین بیاد و برف باعث بشه تو و فلان هنرپیشه مشهور توی یک کلبه مخصوص شکار گیر کنین و بعد اون از تو التماس سکس داشته باشه، احتمالاً هیچ وقت توان اجرای این فانتزی رو نخواهی داشت. البته اگر بتونی این فانتزی رو اجرا کنی پیشنهاد می‌کنم وقتت رو با خوندن این کتاب تلف نکنی! (اما اجرای این فانتزی توی تخیلات برای هر کسی

ممکن است. تو می‌تونی توی فانتزی‌هاش نقش اصلی رو داشته باشی و با جادو هرکسی که دوست داری رو به برده جنسی خودت تبدیل کنی. می‌تونی هر جور دوست داری باشی: خوشگل، عجیب و غریب، بلند، کوتاه، ورزشکار، خوش‌هیكل، لاغر، چاق، سیاه، سفید، جوان، پیر - هرکسی که بخوای! می‌تونی هر جور دوست داری نمایشنامه رو بنویسی و دستور بدی کی چه نقشی رو بازی کنه. تنها چیزی که محدودت می‌کنه، قوه تخیلات است و احتمالاً از این نظر هم هیچ وقت کم نمیاری، نه؟

فانتزی‌ها می‌تونن با تخیلات تو یا محرک‌های خارجی - مثل دیدن یک غریبه جذاب - فعال بشن، یا با یک تصویر شهوانی، یک کتاب یا یک فیلم. هر چیزی که سیگنال شروع رو بهت بده، تفاوتی نمی‌کنه. مهم اینه که فانتزی‌ای لذت بخش و سالم داشته باشی. فانتزی‌ها اجازه می‌دن تا تخیلات رو به شیوه‌ای جنسی فعال کنی. ممکنه درباره چیزی تخیل کنی که دوست داری انجامش بدی ولی هنوز امتحانش نکردی. می‌تونی هم درباره چیزهایی تخیل کنی که قدیم‌ها باعث تحریک تو می‌شده‌اند. یا حتی چیزهایی که مطمئن هستی هیچ وقت میلی به انجامشون نخواهی داشت ولی فکر کردن درباره اونها برایات جالب است. می‌تونی هر چند وقت یکبار فانتزی‌هاش رو عوض کنی. می‌تونی جوری باهاشون اخت بشی که انگار زندگی واقعی تو هستند. خوبی این فانتزی‌ها اینه که از اونها ایدز - و هیچ بیماری جنسی دیگه ای - نمی‌گیری و نگران حاملگی هم نیستی. توی فانتزی‌هاش احتیاجی به کاندوم یا وسایل دیگه پیش‌گیری نداری و می‌تونی کاملاً آزاد باشی. اگر بخوام ساده بگم باید بگم که فانتزی‌ها و جلق زدن اکثراً دوش به دوش هم هستند، اما

فانتزی‌ها توی خیلی از عملیات سکسی دیگه هم وجود داره. اگر دیر به اوج لذت جنسی (ارگاسم) می‌رسی، فانتزی‌ها می‌تونن خیلی کمکات کنن. فانتزی‌ها می‌تونن کمک کنن تا شهوات برانگیخته بشه و به جایی برسی که دیگه نتونی جلوی ارگاسمات رو بگیری.



بیا!

اگر متوجه شدی که می‌خواهی فانتزی‌ای رو عملی کنی که خطرناکه، ممکنه به کسی صدمه بزنی یا غیر مجازه (از نظر قوانین انسانی) - مثلاً اگه خواستی با یه بچه سکس داشته باشی، به کسی تجاوز کنی یا کسی رو بعد از سکس زنده زنده بخوری - سریعاً با یک روان‌شناس حرفه‌ای تماس بگیر!

اگر در طول روز هم‌هانش در این فکر هستی که چجوری عشق‌بازی کنی، فانتزی‌ها می‌تونن بهت ایده‌های خوبی بدن، علاوه بر این می‌تونن باعث بشن که موقع اجرای اون‌ها، اعتماد به نفس بیشتری داشته باشی.

فانتزی‌ها همچنین می‌تونن وقتی که مطمئن نیستی که آیا علاقه‌ای به آزمایش نوع خاصی از سکس داری یا نه هم مفید باشند. می‌تونن توی فانتزی‌ها تون سکس رو امتحان کنی و ببینی که واقعا برات جالبه یا نه. محققین جنسی کشف کرده‌اند که فانتزی‌ها می‌تونن برای آدم‌هایی که مشکلات جنسی دارن هم مفید باشند. اگر تصورات سکسی مثبت و آزاد داشته باشی، احتمال اینکه بازداریات در مقابل لذت جنسی پایین بیاد هم هست. از طریق فانتزی‌ها می‌تونن با ترس‌ها از سکس مقابله کنی و یادگیری که از مسائل سکسی لذت ببری، اون وقت می‌تونن با یکی دیگه هم لذت بیشتری داشته باشی.



فانتزی‌ها الزاما از تمایلات ناهشیارانه ما سرچشمه نمی‌گیرند. اگر به چیزی فکر کنی، حتما به این معنا نیست که علاقمند اجرای آن هستی. پس نگران فکر کردن درباره چیزهایی که هیچ وقت علاقه ای به اجرای آن‌ها نداری نباش. برای مثال فانتزی ات می‌تواند تجاوز کردن باشد و تا هنگامی که مطمئن هستی که علاقه ای به عملی کردن آن نداری، سالم هستی و مشکلی هم نداری.

همه فانتزی‌ها عادی هستند، هرچند که بعضی از آن‌ها ممکن است خارج از دسترس باشند. اگر فانتزی تو با یکی از این طبقه بندی‌ها مناسب است، وقت آن شده که با یک پزشک یا روان‌شناس مشورت کنی.

- **فانتزی باعث شود که احساس گناه یا خارج از کنترل بودن بکنی و نتونی بر این احساس غلبه کنی.** اگر خیلی نگران فانتزی‌هایت هستی و نمی‌تونن بر این نگرانی غلبه کنی بهتره به سراغ یک روان‌شناس بری تا در این باره بهت کمک کنه تا کاری نکنی که بعدا باعث پشیمونی ات بشه.
- **اونقدر به فکر فانتزی‌ات هستی که زندگی شخصی‌ات مختل می‌شه.** مثلا اگر اونقدر به فکر فانتزی‌ات هستی که نمی‌تونن با تمرکز کار کنی، نمی‌خوای با خانواده و دوستان حرف بزنی یا اونقدر بهش فکر می‌کنی که از کارت عقب می‌افتی.
- **فانتزی باعث می‌شه سکس عادی‌ات مشکل پیدا کنه.** برای مثال اگر علاقه ای به سکس با همسرت نداری چون که فانتزی‌ات بهتر است.
- **مشغول عمل به فانتزی‌های خطرناک، غیرمجاز یا تهدید کننده هستی یا مطمئن هستی که می‌خوای به زودی به این‌جور فانتزی‌ها عمل کنی.** این یکی از اون موقع‌هایی است که فانتزی اصلا نباید به واقعیت تبدیل شود.

## فهرست ۱۰ تایی امشب

ادما درباره هر چیزی فانتزی دارن! و من در طول تجربیات جنسی خودم - به عنوان یک متخصص - اکثر اون‌ها رو شنیده ام. ولی یک چیزهایی هست که آدم‌ها بیشتر بهشون فکر می‌کنند. من اینجا یک لیست از معمول‌ترین فانتزی‌ها جمع کرده ام. بخون‌اش تا ببینی فانتزی مورد علاقه تو جزو اینها هست؟

## ۱۰ فانتزی معمول

۱. **سکس سه یا چند نفره.** فکر کن یک دهن روی دهنات است، یک دهن روی قسمت‌های جنسی بدنات و یک دهن روی سینهات و همزمان ۶ تا دست دارن بدنات رو نوازش می‌کنن. مطمئنا اگر درباره سکس چند نفره فکر کنی خیلی چیزهای دیگه به نظرت می‌رسه. شاید قبلا امتحان‌اش کرده باشی و یادآوری خاطره‌اش حشری‌ات می‌کنه. یا شاید دوست داری یک روز امتحان‌اش کنی و کارهایی که می‌خواهی بکنی سوخت فانتزی‌های امروزت شده‌اند. ( البته اگر می‌خواهی بیشتر از سکس چند نفره بدونی، یک نگاه به فصل ۲۰ بنداز ). البته اگر احساس می‌کنی به علت تداخل احساسات دوست نداری سکس چند نفره رو تجربه کنی، مشکلی نیست؛ می‌تونی فانتزی‌اش رو داشته باشی. در عین حال یکی از خوبی‌های سکس گروهی اینه که می‌تونی کشف کنی توی یک تخت دو نفره چند نفر ممکنه جا بشن !



عکس از ولر ارنست

۲. **سکس با یک آدم مشهور.** شاید یک روز با جنیفر لوبز یا جیمز هتفیلد آشنا بشی و بتونی باهاشون یک سکس حسابی و داغ داشته باشی. اما قبول کن که احتمال عملی شدن‌اش کمه ولی این باعث نمی‌شه هر لحظه که اراده کردی، نتونی توی فانتزی‌ات احضارشون کنی. فانتزی درباره آدم‌های مشهور یا قدرت‌مند همیشه جالب بوده. گاهی آدم احساس قدرت می‌کنه و گاهی آدم‌های مشهور رو سمبلی از سکس می‌شناسه. چه با برد بیت توی سونا سکس داشته باشی و چه با ماریا کری، فانتزی تو درباره یک آدم مشهور است که همه اون رو می‌شناسند و برای به حقیقت پیوستن‌اش لازمه یا خیلی پول‌دار بشی یا خیلی مشهور. از اینکه نمی‌تونی با این آدم‌ها سکس داشته باشی خیلی هم ناراحت نباش چون اگر قرار بود پاملا اندرسون با هرکسی که فانتزی‌اش اونه، سکس داشته باشه دیگه چیز زیادی ازش باقی نمی‌موند.

۳. **سکس با کسی که اون رو می‌شناسی یا کسی که باهاش برخورد داری.** هر روز صبح که از جلوی میزش رد می‌شی، بوی عطر یا اودکلن‌اش استارت فانتزی‌های داغ‌ات رو می‌زنه. بعید می‌دونی بتونی باهاش دوست بشی چون فقط با همدیگه همکاری و ولی به راحتی می‌تونی هر شب توی فانتزی‌هات ظاهرش کنی. یا ممکنه یک سالی بشه که باهاش دوستی حتی شاید « فقط دوست » باشین و علاقه خاصی هم بهش ندارسته باشی ولی بدت هم نمیداد موقع جلق زدن یک جورایی هم بهش فکر کنی. تنها اشکال اینه که وقتی با هم هستین گاهی بدون اراده بهش ذل می‌زنی و مشغول فانتزی‌هات می‌شی و اون مچات رو می‌گیره ! این که به آدم‌های دور و برمان فکر کنیم خیلی عادی است. به هر حال هر روز مشغول دیدن و حرف زدن با اونها هستی پس چه ایرادی داره گاهی هم شریک فانتزی‌های جنسی‌ات بشوند ؟

۴. **سکس با یک غریبه.** منتظر تاکسی هستی که یهو می‌بینی یک ماشین جلوی پات ترمز می‌کنه. تو که سوار بشو نیستی ولی چی می‌شد اگه سوار می‌شدی ؟ تو رو می‌برد یک خونه که اصلا نمی‌دونی کجای شهر است. بعد دستت رو می‌گرفت و می‌برد توی اتاق‌اش و هر دو لخت می‌شدین. ازش خجالت نمی‌کشیدی و هر کار دوست داشتی می‌کردی چون اون که تو رو نمی‌شناسه و بعدا هم تو رو نخواهد دید. چشمات رو که باز می‌کنی می‌بینی آدم‌های دیگه که منتظر تاکسی هستند دارند نگاهات می‌کنن و ماشینه هم ناامید شده رفته. به هر حال چه دنبال یک ماشین غریبه باشین، چه منتظر مسوول تحویل پیتزا باشی و چه منتظر زن خجالتی‌ای که یک جایی نزدیک خونه ات زندگی می‌کنه، فانتزی سکس با غریبه‌ها بهت اجازه می‌ده که بدون ترس از بیماری‌ها، آزارها و دردسرهای دیگه، با هر غریبه‌ای که دوست داری سکس داشته باشی.



اگر فانتزی شما درباره سکس با کسی به جز شریک زندگی‌تان است، نباید احساس گناه کنید. حتی اگر در هنگام سکس با همسرتان به کس دیگری فکر می‌کنید، گناهی نکرده اید. بخصوص اگر سال‌هاست که با هم زندگی می‌کنید، چرا که با فکر کردن به کس دیگر، باعث می‌شوید سکس برای شما روتین و عادی نشود و در نتیجه سکس سالمتر و بهتری داشته باشید. وجود تخیلی این شخص سوم به این معنی نیست که شریک زندگی‌تان را کمتر دوست دارید.

**۵. سکس با یک همجنس.** ممه‌ها داره به ممه‌هاش مالیده می‌شه. یا کیرت رو با دست چپات گرفته‌ای و با دست راستات داری کیر یکی دیگه رو می‌مالی. به نظر بامزه می‌یاد. چه همجنس‌گرا باشی، چه دوجنس‌گرا و چه مستقیم، فکر کردن درباره کسی با جنسیت موافق خودت، جالب و عادیه. به هر حال جالبه که فانتزی سکسی‌ای داشته باشی که تا حالا امتحان‌اش نکرده‌ای و فانتزی سکس با همجنس معمولاً یکی از اون‌هاست. صد در صد در صورتی که فانتزی سکس با یک همجنس رو داشته باشی، به چیزهایی فکر خواهی کرد که تا حالا امتحان‌شون نکرده‌ای. یادت باشه که اگر مستقیم هستی، فانتزی از تو یک همجنس‌گرا نمی‌سازه و اگر همجنس‌گرا هستی هم فانتزی درباره جنس مخالف نمی‌تونه تو رو مستقیم کنه!

**۶. فانتزی اعمال زور، بسته شدن و کتک خوردن.** دوست داری کسی که تقریباً نمی‌شناسی‌اش، لباسات رو پاره کنه، تو رو از موها بگیره، بندازت زمین و باهات سکس کنه؟ اکثر آدم‌ها دوست ندارند توی زندگی واقعی مجبور به سکس بشن یا کسی رو مجبور به سکس کنن، اما فانتزی‌های اعمال زور خیلی بیشتر از اونیه که آدم‌ها فکر می‌کنند، معمول است. اینها یکی از اون فانتزی‌هایی هستند که اصلاً نباید دنبال اجراش باشی ولی همونطور که قبلاً گفتم، فکر کردن بهشون هیچ اشکالی نداره. اگر به این فکر می‌کنی که کسی رو مجبور به سکس کنی احتمالاً معنایش اینه که احساس می‌کنی توی زندگی کنترل کافی رو نداری و در نتیجه متمایل شدی که توی فانتزی‌ها مردم رو مجبور به قبول اراده ات بکنی. بر عکس این مورد هم صادق، اگر فانتزی تو درباره این است که به سکس مجبور بشی، شاید معنایش این باشه که توی زندگی کنترل کافی داری و دوست داری در فانتزی‌ات کمی استراحت کنی. ممکن هم هست دوست داشته باشی که شریکات دست‌ها رو پشت بدنات ببند و برای یک تنبیه خوب، تو رو روی پاهاش بشونه؟ آدم‌هایی که به بسته شدن علاقه دارند معمولاً دنبال یک سکس «عاری از گناه» هستند. اون‌ها می‌خوان

توی فانتزی، اشتیاق شدید خودشون به سکس رو پشت اعمال زور علیه خودشون و بسته بودن دست‌هاشون پنهان کنن. کسانی که به سلیبی خوردن علاقه دارند ممکنه به اس/ام در زندگی واقعی علاقمند باشن. یا شاید دنبال اس/ام توی فانتزی‌هاشون باشن. گاهی هم ممکنه احساس کنند که آدم‌های بدی بوده‌اند و باید تنبیه بشن، احساس بد بودن، گاهی لذت بخشه (درباره اس/ام در فصل ۲۰ بیشتر صحبت می‌کنیم)



### زبون بر و بیج

دیدن یا به قول خارجی‌ها **Voyeur** کسی است که از دیدن بقیه در وضعیت‌های سکسی، لذت شهوانی می‌بره. نمایشگر یا **Exhibitionist** کسی است که از نشون دادن قسمت‌های جنسی بدن‌اش به دیگران لذت می‌بره. اگر تو از اون آدم‌هایی هستی که به انجام اعمال سکسی در مکان‌های عمومی علاقمندند، احتمالاً یک جورایی تریپات نمایشگره.

**۷. سکس وقتی کسی داره نگاهات می‌کنه.** یواش یواش با شهوت دگمه‌های بلوزت رو باز می‌کنی و لباسات رو درمیاری، اما یهو هول برت می‌داره آخه یادت می‌افته که داری یک نمایش بازی می‌کنی. به سینه‌ات دست می‌زنی، دستت رو روی بدنات می‌کنی و شهوت‌زده‌تر می‌شی و در نهایت شروع به جلق زدن می‌کنی. برای بعضی‌ها اینکه نمایش دهنده باشند خیلی هیجان‌انگیزه، بخصوص توی فانتزی‌هاشون. اینکه فکر کنی یکی داره نگاهت می‌کنه، داغ ات می‌کنه، همونطور که کسی که داره تو رو نگاه می‌کنه داغ می‌شه. در واقعیت اینکه کسی نگاهت کنه ممکنه خجالت آور باشه و نتونی کارهایی که دوست داری رو راحت انجام بدی اما برای فانتزی، تماشاچی‌ها خیلی هیجان آور هستند.

**۸. سکس در مکان‌های عمومی.** می‌تونی فکر کنی که روی میز سلف دانشکده خم شدی و از پشت یکی داره باهات سکس می‌کنه، یا وسط یک رستوران یکی از گارسون‌ها علاقمند به سکس است و تو روش رو زمین نمی‌ندازی، یا توی یک ساحل شلوغ روی ماسه‌های داغ و جلوی چشم بقیه یا بغل اتوبان همت روی بلوک‌های سیمانی مشغول هستی و سرنشین ماشین‌ها برات سوت می‌کشن؟ در زندگی واقعی، سکس در مکان‌های عمومی خطرناک و مشخصاً غیر قانونی است. اما توی فانتزی هم معمولاً همین هیجان و ریسک وجود داره با این اختلاف که مطمئن هستی دستگیر نمی‌شی. کسی نمی‌تونه تو رو توی تخیلات دستگیر کنه پس راحت باش و به فانتزی‌های عمومی‌ات فکر کن.

**۹. سکس در مکان‌های مرموز.** مکان سکس همیشه یکی از مشکلات فرهنگی ما بوده، پس بعضی‌ها با انتخاب تخت جمشید، کاخ سفید، میز کار اداره و حتی بالای میدون آزادی رو انتخاب می‌کنند. یا گاهی دنبال پلیس‌ها در ایستگاه پلیس یا حتی توی ماشین مامورین برق هستند. اگر تو هم یکی از این آدم‌ها هستی می‌تونی هرجایی که دوست داری رو توی تخیلات انتخاب کنی و بدون هیچ دردسری هرجایی که دوست داری سکس داشته باشی. حتی می‌تونی گاهی به جاهایی فکر کنی که هیچ وقت نمی‌تونی اونجا باشی، مثلاً کشتی تایتانیک مشهور و لازم هم نیست منتظر بلیت و صف و ... بمونی! هرجایی که فکرت ازت درخواست کرد، ببرش. نه خرجی داره و نه وقتی می‌گیره، فقط کافیه چشمهات رو ببندی و تخیل کنی.

**۱۰. سکس با معشوق قبلی.** اگر بهترین سکس شما با کسی بوده که الان دیگه باهاش نیستین، چه اشکالی داره گاهی اون دوست قدیمی رو به فانتزی‌های خودتون دعوت کنین؟ بعضی آدم‌ها نمی‌تونن از اینجور فانتزی‌های فرار کنن چون با فانتزی کردن درباره دوستای قدیمی، جای خالی اون فرد رو پر می‌کنند. اگر تو هم از این دسته آدم‌ها هستی، یادت باشه تلاش کنی تا حد اعتدال رو نگه داری و فانتزی رو جانشین واقعیت نکنی.

به هرحال درباره هر چیزی که فانتزی داشته باشی - چه جزو یکی از این ۱۰ فانتزی مشهور باشه یا یک فانتزی کاملاً منحصر به فرد باشه - باید به سادگی از لذت ببری. تنها چیزی که مهم است اینه که فانتزی برای تو کارساز باشه. همین کافیه.



عکس از بارنابی هال



گفته می‌شود که خانم‌ها فانتزی‌هایی دقیق، با جزئیات، رماتیکی و عاشقانه را ترجیح می‌دهند در حالی که مردان دارای فانتزی‌هایی تماما شهوانی درباره مسائل جنسی هستند. این مساله همیشه هم صحیح نیست. ممکن است خانمی فانتزی‌ای به دقت مردان داشته باشد و یک مرد هم ممکن است دارای فانتزی‌ای بسیار رماتیکی - شبیه به فانتزی زنان - باشد.

## مطرح کردن فانتزی‌ها

خب... قبل از اینکه توی فانتزی مورد علاقه‌ات غرق بشی بذار درباره این موضوع که چطور باید اون‌ها رو با کس دیگه‌ای شریک شد صحبت کنیم. تو و شریکات شاید بخواهید درباره فانتزی‌هاتون صحبت کنین تا درباره همدیگه بیشتر بدونین. هرچقدر بیشتر از فانتزی‌هات حرف بزنی، شریک جنسی‌ات آگاهی دقیق‌تری از علاقه‌های تو خواهد داشت و همین باعث می‌شه روز به روز زندگی جنسی بهتری داشته باشی. شاید طرفات هیچ وقت ندونه که تو همچین علائق عجیبی داری ولی وقتی که فهمید ممکنه علاقمند باشه که با هم بعضی هاشون رو عملی کنید. اینا همشون دلایل مثبتی هستند که باید فانتزی‌هات رو مطرح کنی ولی قبل از اینکه بری سراغ شریکات و باهاش حرف بزنی بهتره چند تا نکته دیگه هم توی ذهنت داشته باشی.

اول اینکه فقط و فقط باید وقتی از فانتزی‌هات حرف بزنی که احساس کنی طرفات ظرفیت‌اش رو داره. باید مطمئن باشی که شریکات می‌دونه که فانتزی‌ها طبیعی و عادی هستند و به کسی هم صدمه نمی‌زنند. اگر شریکات یک دید کاملاً سنتی به سکس داشته باشه، احتمالاً شنیدن فانتزی‌های تو براش ضربه سنگینی خواهد بود. اگر احساس می‌کنی که همسرت اگر بشنوه که تو گاهی - مثلاً - درباره سکس با همجنس خودت فانتزی داری، عصبانی یا ناراحت می‌شه، بهتره فعلاً بهش نگی. مطمئناً صادق بودن خوبه و اگر شریکات بدونه که چی توی مغز تو می‌گذره باعث می‌شه سکس بهتری داشته باشین ولی این قضیه اصلاً ارزش عصبانی کردن یا ناراحت کردن اون رو نداره. اگر در این وضعیت حتماً و حتماً خواستی صحبت کنی، بهتره خیلی احتیاط کنی. یعنی بهتره اول فانتزی‌های ساده و معمول‌ترت رو به صورتی رقیق بیان کنی و یکضرب سراغ چیزهای تند و تیز نری.

دومین مساله اینه که اگر خواستی از فانتزی‌هات حرف بزنی بهتره بگی اینها فانتزی‌های جلق زدن‌ات هستند و یا چیزهایی هستند که سر کلاس بهشون فکر می‌کنی و هیچ وقت برنگردی بگی « اینا چیزهاییه که وقتی با تو سکس دارم بهشون فکر می‌کنم! » از نظر طبیعی و روانی خیلی عادیه که آدم‌ها گاهی مواقع در حین سکس با یک نفر، به کس یا چیز دیگه‌ای فکر کنند و این موضوع حتی گاهی تشویق هم می‌شه چون آدم اینجوری می‌تونه با نقش بازی کردن ( به فصل ۲۰ مراجعه کن ) جلوی خیانت یا تقلب کردن رو بگیره. ولی خب به هر حال به هر حال هرکسی بشنوه که موقع سکس طرفاش به کس دیگه‌ای فکر می‌کرده احتمالاً ناراحت می‌شه و شاید هم حسودی کنه!

سومین چیزی که باید یادت باشه اینه که وقتی فانتزی‌ات رو تعریف کردی، برای طرفات کار سخته که صحنه فانتزی تو رو از ذهن‌اش دور کنه و در نتیجه فکر می‌کنه که تو همیشه داری به اون فانتزی فکر می‌کنی. بذار اینجوری بگم، اگر بگی که توی فانتزی فکر می‌کنی که موقع سکس دست‌هات رو با روسری بسته‌اند، شریکات ممکنه فکر کنه که همیشه موقع سکس داری ادای بسته بودن دست‌هات رو درمباری. یادت باشه بگی که فانتزی‌ای که تعریف می‌کنی، فقط یکی از انواع رابطه جنسی است که تو بهشون علاقه داری و از همه انواع دیگه هم لذت می‌بری.



اقدس می‌گه...

قبل از اینکه فانتزی‌های خود را با شریک‌تان در میان بگذارید، باید وی را کاملا بشناسید تا بتوانید عکس العمل‌اش را حدس بزنید. اگر فکر می‌کنید فانتزی‌ای کسی را شوکه می‌کند یا وی را می‌ترساند یا موجب حسادت‌اش می‌شود، از مطرح کردن آن خودداری کنید. تنها هنگامی فانتزی خود را مطرح کنید که احساس می‌کنید بیان آن راهی است برای تشریح دقیق‌تر علائق خودتان.

اما مساله چهارم! یادت باشه که هر وقت برای کسی چیزی گفتی، اون هم علاقه خواهد داشت تا شبیه همان‌ها را برای تو بگه. پس اگر از فانتزی‌ات برای شریک‌ات حرف می‌زنی، احتمالا اون هم شروع می‌کنه به گفتن علائق مخفی خودش برای تو. برای همین بهتره فقط وقتی از فانتزی‌ها حرف بزنی که واقعا حوصله شنیدن فانتزی‌های طرف‌ات رو داشته باشی.

و آخرین نکته، و احتمالا مهمترین نکته ای که قبل از بیان فانتزی‌ها باید توی ذهنت داشته باشی. وقتی از فانتزی‌ها حرف می‌زنی دقت کن که دقیقا بگی که دوست داری بهش عمل کنی یا نه. دقیقا توضیح بده که آدم‌ها علاقه ای به اجرای خیلی از فانتزی‌هاشون ندارن. دقت کن که این نکته کاملا درک بشه. گاهی آدم‌ها تصورشون اینه که اگر کسی فانتزی‌ای داره، لابد دوست داره اون رو اجرا هم بکنه. این یک مشكله چون بعضی فانتزی‌ها ممکنه خطرناک باشند و اجراشون لذت بخش نباشه. اجرای بعضی فانتزی‌ها ممکنه زندگی قشنگ سکسی شما رو خراب کنه.



بیا!

اگر می‌خواهی درباره فانتزی‌ها صحبت کنی یادت باشه که حتما با یک چیزی شبیه به « البته این چیزیه که من هیچ وقت واقعا نمی‌خوام توی واقعیت امتحان‌اش کنم » یا « این چیزی که شاید بخوام یک روزی امتحان‌اش کنم » شروع کنی. اینجوری طرف‌ات گیج نمی‌شه و می‌تونه به راحتی و بدون سوء تفاهم، نظرش رو بیان می‌کنه.

یکی از مثال‌هایی که معمولا بیان می‌شه اینه که یک اقایی برای همسرش تعریف کنه که درباره زن مجردی که توی همسایگی‌شون زندگی می‌کنه، فانتزی جنسی داره. تعریف این فانتزی مطمئنا مشكل درست می‌کنه مگر اینکه دو نفر به خوبی همدیگه رو درک کنند و مرد بتونه به خوبی فانتزی‌اش رو بیان کنه و دقیقا شرح بده که هیچ وقت در عمل علاقه‌ای به اجرای این فانتزی نداره و اینجوریه که یک فانتزی می‌تونه به یک دردسر بزرگ تبدیل بشه.

فرق یک فانتزی داشتن و فانتزی رو مطرح کردن اینه که وقتی فانتزی پیش خودت است، کاملا بهش کنترل داری و هر وقت بخوای قطع یا شروع‌اش می‌کنی. اما همین که تعریف‌اش کردی، دیگه وضعیت عوض شده ( و شاید بدتر شده ) و شاید دیگه حتی نخوای بهش فکر هم بکنی. در مقابل وقتی فانتزی‌ها رو مطرح

می‌کنی شاید کشف کنی که شریک‌ات هم فانتزی مشابهی داره و در نتیجه می‌تونین با همدیگه اون رو اجرا کنین. به همین دلیل که می‌گم بهتره آروم آروم فانتزی‌ها رو بگی و از چیزهای نسبتا عادی شروع کنی و با دیدن عکس‌العمل مناسب طرف مقابل، ادامه بدی. به هر حال اگر دوست داری که یکی از فانتزی‌ها رو اجرا کنی، به خوندن ادامه بده.

**وقتی فانتزی‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند**



تبدیل یک فانتزی به واقعیت معمولاً کار راحتی نیست. وقتی فانتزی فقط برای جلق زدن است، خیلی راحت کنترلش می‌کنی ولی همین که سعی کردی به عمل تبدیلش کنی، دیگه ممکنه از دستت خارج بشه و یک خراب کاری به بار بیاد. یک بار با یک خانم صحبت می‌کردم که هر شب جمعه با فانتزی اینکه سوار ماشین یک غریبه شده، جلق می‌زد. بعد یک شب جمعه به جای اینکه به سراغ تخت و فانتزی خودش بره، آرایش غلیظی کرد، لباس جلب کننده‌ای پوشیده و به خیابون رفت و سوار یک ماشین شد و با صاحبش به خونشون رفت و مشغول سکس شد. این خانم می‌گفت که فانتزی خیلی لذتبخش‌تر از سکس واقعی بوده. شب جمعه بعدی خانم دوباره سراغ تخت‌اش رفت و با فانتزی‌اش به جلق زدن مشغول شد.

اگر تو هم فانتزی‌ای درباره یک غریبه داری که باهاش جلق می‌زنی و دوست داری یک بار در واقعیت امتحانش کنی، لازم نیست فانتزی‌ات رو برای اون غریبه تعریف کنی. تنها چیزی که لازمه بدونی، سلامت طرف و علاقه اون به سکس است. اجرای این فانتزی خیلی سخت نیست، یعنی نسبت به فانتزی‌هایی که قراره درباره اونها با شریک زندگی ات صحبت کنی، اصلاً سخت نیست. اگر قرار باشه یک فانتزی رو با همسرت عملی کنی، باید درباره‌اش حرف بزنی و تصمیم بگیرین که آیا هر دوتای شما به اجراش علاقه دارین؟ اجازه بده تصور کنیم که تو و همسرت درباره یک سکس سه نفره فانتزی دارید و درباره‌اش هم حرف زدین اما مردد هستین. باید کلی حرف بزنین و قدم‌های زیادی بردارین تا مطمئن بشین که آیا واقعا علاقه دارین همچین چیزی رو اجرا کنین؟

قبل از اجرای هر فانتزی بهتره از این هفت خوان عبور کنی :

۱. درباره نتایج منفی و مثبت این فانتزی با شریک ات حرف بزنی (مثلاً نتیجه منفی یک سکس سه نفره ممکنه حسادت باشه و نتیجه مثبت اون یک تجربه آزادانه جنسی)
۲. وقتی با شریکات مشغول سکس هستی، درباره فانتزی‌ات چند کلمه بلند بلند حرف بزنی. مثلاً یک جوری که انگار مشغول اون فانتزی هستی و ببین چه حسی بهتون دست می‌ده (اگر دنبال همون سکس سه نفره باشیم، یک جوری رفتار کن که انگار یک نفر دیگه هم توی اتاق هست و نقش بازی کن و باهاش حرف بزنی)
۳. با هم یک فیلم سکسی نگاه کنین که توش فانتزی‌تون اجرا شده باشه. اگه هر دو تاتون خوشتون اومد احتمال اینکه اجرای عملی اون فانتزی برای شما مفید باشه، بیشتره. اما اگر خوشتون نیومد، بهتره دنبال اجراش نباشین. (هه هه! البته اگه فانتزی شما اینه که با شریک جنسی تون به یک فیلم سکسی نگاه کنید، بهتره فعلاً این قدم رو بیخیال شین)
۴. درباره جزئیاتی که دوست دارین موقع اجرای فانتزی اتفاق بیافته با هم حرف بزنین. اینجوری چیزهایی که قراره اتفاق بیافته دقیق‌تر معلوم می‌شه و هر دوتاتون احساس راحتی بیشتری خواهید کرد.
۵. به همدیگه اطمینان بدین که اگر فانتزی‌تون عملی شد، هر لحظه که یکی از شما - یا هر دو تایی شما - از چیزی خوشش نیومد یا لذت نبرد، اجرای فانتزی قطع خواهد شد.
۶. بازم با هم حرف بزنین تا مطمئن بشین که واقعا دوست دارین اجراش کنین.
۷. اگر هر دوتاتون حاضرین، شانس تون رو امتحان کنین! موفق باشین.

یادت باشه که اگر یک فانتزی رو اجرا کردی و ازش خوشت نیومد، مجبور نیستی تکرارش کنی. اگر بخوای می‌تونی بازم به یک فانتزی معمولی تبدیلش کنی یا کلاً کنارش بذاری. اما اگر از فانتزی خوشت اومد، تو شریک جنسی‌ات یک منبع جدید انرژی و لذت جنسی پیدا کردین که می‌تونه تا مدت‌ها باعث لذت شما بشه و زندگی جنسی شما رو از یکنواختی دربیاره.

## بازی با فانتزی‌ها

اگه تو و شریک جنسی‌ات با موفقیت درباره فانتزی‌هاتون حرف زدین، احتمالاً از فصل ۲۰ خوشتون خواهد اومد. فصل ۲۰ درباره نقش بازی کردن، لباس جنس دیگه رو پوشیدن، سکس گروهی و آزارخواهی و آزاردهی یا همون S/M است. اینها چیزهایی هستن که بیشتر مردم درباره‌شون فانتزی می‌کنن. اگر دوست داشته باشی که هر کدوم از اونا رو امتحان کنی، اون فصل بهت کمک می‌کنه که از کجا باید شروع کنی. البته توی فصل‌های دیگه هم خیلی چیزها پیدا می‌کنی که ازشون خوشت بیاد مثل سکس تانتریک، اسباب‌بازی‌های سکسی، همجنس‌گرایی و وضعیت‌های سکسی عجیب و غریب.

حالا که به آخر این فصل رسیدیم، موقع دادن مشق شب رسیده! اگر با همسرت به اندازه کافی توافق داری، بده این فصل رو بخونه و بعد هر کدوم روی یک برگ جداگانه ۱۲ مورد از فانتزی‌های جنسی تون رو بنویسین. لازم نیست این لیست خیلی هم پیچیده باشه. می‌تونن از چیزهای ساده‌ای در حد «لباس خواب قرمز» یا «توی آشپزخونه» تا مسائل پیچیده‌ای مثل «سکس سه نفره روی پشت بوم» رو بنویسن. حالا لیست رو با هم چک کنین. اگر مواردی باشه که بین هر دوی شما مشترک باشه که خیلی خوش شانس هستین، اگر هم موارد مشترک نداشتین بازم خوش شانسین چون اگر ۲ ساعت از آخر هفته رو به اجرای نوبتی فانتزی‌های خودتون اختصاص بدین می‌تونین ۲۴ هفته - یا تقریباً نصف سال - از یک سکس داغ، تازه و هیجان آور لذت ببرین.

برای تماس یک نامه با موضوع «کارون جاوید»

به [cekaf@cekaf.com](mailto:cekaf@cekaf.com) بفرستید.

کارون جاوید